

The Comparison of Alexithymia and Emotional Creativity among Gifted and Normal Female Students

مقایسه ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان دختر تیزهوش و عادی

سعید شاه حسینی تازیگ^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه تهران

آزاده فروزانفر

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه تهران

فاطمه هاشمی گلیایگانی

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه تهران

نجمه طاهری

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۰۸ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مقایسه ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی دانش آموزان دختر تیزهوش و عادی بود. تعداد ۳۰۷ نفر دانش آموز مقطع متوسطه دوره دوم (۱۴۴ نفر دانش آموز عادی و ۱۶۳ نفر دانش آموز تیزهوش) به روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند که مقیاس های ناگویی هیجانی تورنتو (بگی، پارکر و تیلور، ۱۹۹۴) و خلاقیت هیجانی (آوریل، ۱۹۹۹) را تکمیل نمودند. برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از این بود که در هر دو گروه از دانش آموزان (تیزهوش و عادی) بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. تنها در دانش آموزان تیزهوش زیر مقیاس اثربخشی/اصالت با ناگویی هیجانی رابطه مثبت و معنادار داشت. همچنین نمرات ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی بین دو گروه تفاوت معناداری داشت که نمرات ناگویی هیجانی در دانش آموزان عادی و نمرات خلاقیت هیجانی در دانش آموزان تیزهوش نسبت به گروه مقابل بالاتر بود. هر چقدر دانش آموزان از نظر هیجانی، خلاقیت بیشتری داشته باشند راحتتر و بهتر می‌توانند هیجانات خود را بشناسند و ابراز کنند و در نتیجه بهتر می‌توانند با دیگران رابطه برقرار کنند.

کلیدواژه‌ها: ناگویی هیجانی، خلاقیت هیجانی، نوآوری، آمادگی، اثربخشی.

Abstract

The current study was aimed to compare alexithymia and emotional creativity among gifted and normal female students. 307 high school students of second-grade (144 normal students and 163 gifted students) were selected by multistage clustering sampling method, who completed Toronto Alexithymia Scale (Bagby, Parker and Taylor, 1994) and emotional creativity inventory (April, 1999). For analyzing the data, Pearson correlation coefficient and multivariate analysis of variance were used. Results of the research showed that there is a significant negative association between emotional intelligence and emotional creativity in both groups of students (gifted and normal). Only in gifted students there was a positive and significant relationship between the subscale of effectiveness/authenticity and alexithymia. There was also a significant difference in scores of alexithymia and emotional creativity between both groups, such that scores of alexithymia in normal students and scores of emotional creativity in gifted students were higher than the other group. The higher the students' emotional creativity is, the better and easier they would be able to know and express their emotions, and they can consequently communicate better with others.

Keywords: Alexithymia, Emotional Creativity, Innovation, Readiness, Effectiveness

1. s.shahhosseini.psy@gmail.com

قدرت تصمیم‌گیری در افراد مبتلا به ناگویی هیجانی نسبت به افراد عادی کندتر است و با در نظر گرفتن تجارب قبلیشان برای شکست خوردن مستعدترند (موریک، ۲۰۱۱). بعلاوه ناگویان هیجانی در همدلی کردن با دیگران مشکل دارند (موریگوچی^{۱۳} و دیگران، ۲۰۰۷؛ بیرد^{۱۴} و دیگران، ۲۰۱۰؛ به نقل از پاتیل و سیلانی^{۱۵}، ۲۰۱۴) که آن را به صورت ناتوانی در بیان احساسات خود نشان می‌دهند (لاک وود^{۱۶} و دیگران، ۲۰۱۳؛ به نقل از پاتیل و سیلانی، ۲۰۱۴). پژوهشگران بین ناگویی هیجانی اولیه که به صورت نابهنگام در اولین دوره از زندگی در طول تثبیت و سازمان دهی شدن کمبودهای عصب شناختی به وجود می‌آید و ناگویی هیجانی ثانویه که بعد از ضربه روحی یا آسیب شدید شدت می‌یابد تمایز قائل می‌شوند (کرولیاکو^{۱۷} و همکاران، ۲۰۱۴). تاکنون پژوهش‌های بسیاری برای روشن شدن علت ایجاد ناگویی هیجانی انجام شده و دلایل مختلفی را بیان نموده‌اند، بسیاری معتقدند ناگویی هیجانی می‌تواند ناشی از وقایع کودکی باشد (هون کلامپی^{۱۸} و همکاران، ۲۰۰۴؛ پیکاردی^{۱۹} و همکاران، ۲۰۰۵)، همچنان که کاراکیوی^{۲۰} و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند که غفلت و بی‌توجهی نسبت به کودک می‌تواند منجر به مشکلات روانشناختی و جسمانی در او شود. از طرفی دیگر ثوربرگ، بانگ، سالیوان و لایورز^{۲۱} (۲۰۱۱) بیان نمودند که ناگویی هیجانی ناشی از تجربیاتی چون جدایی والدین باشد. بعلاوه یافته‌های پژوهشی دیگر ریشه مشکلات ناگویی هیجانی را در کمبود ویتامین D که مختل شدن پردازش هیجانی را در پی دارد، معرفی می‌کنند (آلتباکر^{۲۲} و همکاران، ۲۰۱۴). ناگویی هیجانی با طیف وسیعی از مشکلات روانشناختی

هیجان‌ات جزء مهمی از زندگی هر فرد است که در تصمیم‌گیری وی درباره مسائل مختلف زندگی تاثیر بسزایی دارد. بنابراین افرادی که جزء هیجانی را از فرآیند تصمیم‌گیریشان، به دلیل آسیب در ساختارهای مغزی مربوط به قسمت‌های هیجانی مغز مانند کرتکس پیش‌پیشانی یا بادامه مغز کنار می‌گذارند، ضعیف‌تر از افراد عادی عمل می‌کنند. این افراد معمولاً از ناتوانی در تشخیص احساسات و ارتباط برقرار کردن با وضعیت هیجانی خود رنج می‌برند که می‌تواند ناشی از ناگویی هیجانی^۱ باشد (موریک^۲، ۲۰۱۱).

ناگویی هیجانی نوعی نقص و نارسایی خلقی است که باعث ناتوانی در پردازش شناختی^۳ اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها می‌شود (استاسویچ^۴ و همکاران، ۲۰۱۲؛ برمود، بیرمن، کلادر، مورمان و ورست^۵، ۲۰۱۰؛ تیلور و بگی^۶، ۲۰۰۰). ناگویی هیجانی سازه‌ای چند وجهی است متشکل از: دشواری در شناسایی احساسات و تمایز بین احساسات و تهییج‌های بدنی^۷ مرتبط با انگیزتگی هیجانی^۸؛ دشواری در توصیف احساسات برای دیگران؛ قدرت تجسم محدود به خاطر فقر در خیال‌پردازی‌ها؛ و دارای سبک شناختی عینی (غیر تجسمی) هستند (کریبیگ^۹، ۲۰۱۰؛ چمبرس، گولان و آلن^{۱۰}، ۲۰۰۹؛ به نقل از بشارت و همکاران، ۱۳۹۳؛ سیف‌نوس^{۱۱}، ۲۰۰۰؛ تیلور و بگی، ۲۰۰۰). شواهدی وجود دارد که ناگویی هیجانی با اختلال در توانایی نام‌گذاری، تشخیص صوری احساسات و محرک‌های واژگانی در سطح پردازش کنترل شده ارتباط دارد. علاوه بر این بین ناگویی هیجانی و کاهش خودکار توجه به محرک‌های واژگانی عاطفی رابطه وجود دارد (دانگس^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۴).

1 alexithymia

2 Mourik

3 Cognitive processing

4 stasewicz

5 Bermond, Bierman, Cladder, Moormann & Vors

6 Taylor & Bagby

7 Bodily sensations

8 Emotional arousal

9 Kreibig

10 Chambers, Gullone, Allen

11 Sifneos

12 Donges

13 Murigouchi

14 Bird

15 Patil, I., & Silani

16 Lock wood

17 Korkoliakou

18 Honkalampi

19 Picardi

20 Karukivi

21 Thorberg, Young, Sullivan & Lyvers

22 Altbäcker

صحیحی موقعیت را ارزیابی و احساسات خود را به صورت ماهرانه ای بیان کنند (آوریل، ۲۰۰۷).

ایوسویک^۷ و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند که خلاقیت هیجانی هیجانی مستلزم تفکر واگرا و خلق پاسخ های مناسب و در عین حال اصیل است. پژوهش ها نشان دادند که هر چه نمره افراد در خلاقیت هیجانی بالاتر باشد بهتر به بیان هیجانات خود به صورت خلاقانه، قادر می باشند. همچنین این افراد توانایی دارند تا در داستان های خود هیجانات متناقض (مهربانی، تنفر، سرگرمی) را با هم ترکیب کنند و راه خلاقانه تری برای تعارضاتی ارائه کنند که در ظاهر قابل حل نیستند (گاتیزال و آوریل^۸، ۱۹۹۶). به علاوه، این افراد هنگام ترسیم هیجاناتشان، تصاویری پیچیده تر طراحی می کنند و از رنگ و فضا استفاده بهتری می برند (آوریل، ۱۹۹۹). یافته های پژوهشی جوکار و همکاران (۲۰۱۲) و سیادت و همکاران (۱۳۸۷) نشان داد که هوش هیجانی به طور مثبت خلاقیت را پیش بینی می کند. در پژوهش هاشمی (۱۳۸۸) مشخص شد که بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی همبستگی مستقیم و ضعیف و بین خلاقیت هیجانی و خلاقیت همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ولی بین هوش هیجانی و خلاقیت رابطه ای معناداری یافت نشد. علاوه بر این دیگر پژوهش ها نشان دادند که از بین ۵ عامل بزرگ شخصیت گشودگی به تجربه، ویژگی اصلی شخصیتی افراد خلاق هیجانی می باشد. ولی در ویژگی های برون گرایی و روان آزاده خوبی روابط پراکنده ای بدست آمد (آوریل، ۱۹۹۹؛ ایوسویک و همکاران، ۲۰۰۷؛ جوکار و البرزی، ۱۳۸۹).

حال با توجه به اینکه ناگویی هیجانی علت ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی می باشد و افرادی که با این مشکل روبه رو هستند در خیال پردازی و بیان هیجانات و احساسات خود مشکل دارند از طرفی، افرادی که از خلاقیت هیجانی بالایی برخوردارند وقت بیشتری برای

چون اختلالات اضطرابی، شبه جسمانی، افسردگی و روان رنجوری همراه است (لی و گاجارد^۱، ۲۰۱۱؛ سانگ هوا^۲ و همکاران، ۲۰۱۲؛ کرکولیاکو و دیگران، ۲۰۱۴). پژوهش ها نشان داده اند که بین اختلال در تشخیص احساسات و خلاقیت و همچنین هوش هیجانی رابطه معکوس وجود دارد (زناسنی و لوبارت^۳، ۲۰۰۹). شواهد تجربی دیگر نیز حاکی از این امر می باشند که افرادی که در تشخیص، توصیف و ابراز احساساتشان مشکل دارند با ویژگی های سازگارانه مرتبط با سلامت چون خلاقیت و هوش هیجانی رابطه منفی وجود دارد (سزرنکا و سزیمورا^۴، ۲۰۰۸). در پژوهشی فوجز^۵ (۲۰۰۷) نشان داد افرادی که در ناگویی هیجانی نمره بالا گرفتند، نه تنها خودشان را به لحاظ هیجانی نسبت به دیگران کمتر خلاق دیدند، بلکه خود را در سایر وجوه زندگی شان نسبت به دیگران کمتر خلاق دیدند. این نتایج حاکی از این نیست که افراد با نمره بالا در مقیاس ناگویی هیجانی از کسانی که نمره بالایی در این مقیاس کسب نکرده اند، کمتر خلاق هستند؛ بلکه این افراد تمایل دارند که خود را کمتر خلاق ببینند. بنابراین یکی از سازه هایی که می تواند با ناگویی هیجانی رابطه داشته باشد خلاقیت هیجانی است.

خلاقیت هیجانی سازه ای در حوزه هیجان و عواطف است که اولین بار توسط آوریل و همکاران مطرح شد (آوریل و نانلی^۶، ۱۹۹۲). از دیدگاه این محققان خلاقیت هیجانی عبارت است از ابراز خود (اصالت) به روشی جدید (نوآوری) که براساس آن خطوط فکری فرد بسط یافته و روابط میان فردی او افزایش می یابد (اثربخشی)، (به نقل از صبری، البرزی و بهرامی، ۱۳۹۲). افراد دارای خلاقیت هیجانی برای شناخت هیجان های وقت بیشتری صرف می کنند (آوریل، ۲۰۰۵) همچنین این افراد توانایی این را دارند که به طور

1 Lee & Guajardo

2 Sung hwa

3 Zenasni & Lubart

4 Czernecka & Szymura

5 Fuchs

6 Averill & Nunley

7 Ivcevic

8 Gutbezahl, J., & Averill

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی مقایسه ای می باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر مدارس فرزندانگان و عادی متوسطه دوره دوم منطقه شش شهر تهران که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مشغول به تحصیل بودند، می باشد. تعداد ۳۲۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش به روش تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند ولی در پایان به دلیل افت نمونه و پرسشنامه های ناقص و نادرست، به تعداد ۳۰۷ نفر کاهش یافت که از این تعداد (۱۴۴ نفر دانش آموز عادی و ۱۶۳ نفر دانش آموز تیزهوش) انتخاب شدند. پرسشنامه ها پس از اخذ مجوز از آموزش و پرورش کل استان تهران و آموزش و پرورش منطقه شش شهر تهران و همچنین جلب مشارکت و همکاری مسئولین مدارس و آزمودنی ها به شکل گروهی توسط محققین در کلاس اجرا شد.

ابزارهای پژوهش

مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (TAS-20): مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (بگی، پارکر و تیلور، ۱۹۹۴) یک آزمون ۲۰ گویه ای است و سه مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات، و جهت گیری تفکر بیرونی را در مقیاس پنج درجه ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) می سنجد. ویژگی های روانسنجی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (TAS-20) در پژوهش های متعدد بررسی و تایید شده است (تیلور و بگی، ۲۰۰۰؛ پارکر، تیلور و بگی، ۲۰۰۳؛ پالمر، گیگناس، مانکو و استاف، ۲۰۰۴). در نسخه فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (TAS-20) (بشارت، ۲۰۰۷)، ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و جهت گیری تفکر بیرونی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ گزارش شد که نشانه همسانی درونی مناسب این مقیاس است. از سویی، پایایی بازآزمایی این مقیاس در یک نمونه ی ۶۷ نفری در دو نوبت، با فاصله ۴ هفته ای از $r=$

شناخت هیجانان خود صرف می کنند، همچنین این توانایی را دارند هیجانان خود را به صورت بدیع و نوآورانه بیان کنند. که به نظر می رسد بین این دو سازه روانشناختی رابطه وجود دارد. از سوی دیگر، از آنجایی که افراد تیزهوش در توجیه و تفسیر عملکرد خود به استدلال می پردازند و از بین مسائل مختلف، مسائلی که سطح پیچیدگی آن ها بالاتر است را انتخاب می کنند و از حل مسائل دشوار و نو لذت می برند. این مساله به ذهن می رسد که این افراد باید بهتر بتوانند هیجانان خود را تجزیه و تحلیل کنند در نتیجه ناگویی هیجانی در آنها کمتر و خلاقیت هیجانی در آنها بیشتر دیده شود. با توجه به جستجوی انجام شده توسط محقق تا به حال پژوهشی که به بررسی رابطه بین این دو سازه و همچنین مقایسه این سازه های روانشناختی روی دانش آموزان با بهره هوشی متفاوت صورت نگرفته انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می رسد. نظام تعلیم و تربیت می تواند از نتایج این پژوهش برای افزایش ویژگی های سازگاران سلامت روان چون خلاقیت هیجانی، هوش هیجانی و... و کاهش ویژگی های ناسازگاران سلامت روان چون ناگویی هیجانی و... در برنامه های خود بگنجاند. با توجه به آنچه گفته شد هدف اصلی این پژوهش، مقایسه ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی در دو گروه دانش آموزان تیزهوش و عادی می باشد، که در ادامه رابطه بین این دو سازه ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی بررسی خواهد شد. بنابراین فرضیه های پژوهش به شرح زیر مورد می باشد:

- ۱) ناگویی هیجانی در دانش آموزان تیزهوش کمتر از دانش آموزان عادی است.
- ۲) خلاقیت هیجانی در دانش آموزان تیزهوش بیشتر از دانش آموزان عادی است.
- ۳) بین ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی این دو گروه رابطه غیرمستقیم و معنادار وجود دارد.

1 Toronto Alexithymia Scale-20 (TAS-20)

2 Bagby, Parker & Taylor

3 Palmer, Gignac, manocha & Stough

یافته‌ها

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی دانش‌آموزان را بر اساس نمرات ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی به تفکیک دانش‌آموزان مدارس تیزهوش و عادی نشان می‌دهد.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در دو گروه دانش‌آموزان عادی (جدول ۲) و تیزهوش (جدول ۳) نشان داد که بین ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی رابطه منفی معناداری وجود دارد. در دانش‌آموزان تیزهوش بین ناگویی هیجانی با خلاقیت هیجانی ($r = -0/36$ و $p < 0/01$) و با دانش‌آموزان عادی ($r = -0/24$ و $p < 0/01$) می‌باشد. در هر دو گروه رابطه بین ناگویی هیجانی با زیرمقیاس‌های این آزمون مثبت و در سطح $p < 0/01$ معنادار است. رابطه بین خلاقیت هیجانی با زیرمقیاس‌های این آزمون نیز مثبت و در سطح $p < 0/01$ معنادار می‌باشد.

برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا نمره‌های ناگویی و خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی به وسیله نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری مقایسه شد. خلاصه تحلیل واریانس (جدول ۴) نشان داد که دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در متغیرهای ناگویی هیجانی، دشواری در تشخیص احساسات، تفکر یا جهت‌گیری خارجی، خلاقیت هیجانی، نوآوری و آمادگی تفاوت معنادار وجود دارد و تنها در مقیاس‌های دشواری در توصیف احساسات و اثربخشی اصالت تفاوت معنادار ندارند.

0/80 تا $r = 0/87$ برای ناگویی هیجانی کل و زیرمقیاس‌های مختلف تایید شد. نتایج تحلیل عاملی نیز وجود سه عامل دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف هیجان و جهت‌گیری تفکر بیرونی را در نسخه فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ تایید کرد (بشارت، ۲۰۰۷). پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ می‌باشد.

سیاهه خلاقیت هیجانی (ECI^۱): این سیاهه را آوریل (۱۹۹۹) به منظور اندازه‌گیری خلاقیت هیجانی در چهار بعد نوآوری، آمادگی، اثربخشی و صداقت تهیه کرده و شامل ۳۰ گویه می‌باشد که ۷ گویه آمادگی هیجانی، ۱۴ گویه نوآوری، ۵ گویه اثربخشی و ۴ گویه صداقت را می‌سنجند. هر گویه طیف پنج‌گزینه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد را شامل می‌شود. آوریل با روش آلفای کرونباخ پایایی نمره کل خلاقیت هیجانی را ۰/۹۱ و پایایی ابعاد آمادگی، اثربخشی، صداقت و نوآوری را به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۹، ۰/۸۰ و ۰/۸۵ به دست آورد. برای محاسبه روایی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی و همبستگی با آزمون‌های مشابه استفاده کرد که براساس تحلیل عاملی به جای چهار بعد، سه بعد بدست آورد که ابعاد اثربخشی و صداقت با هم یک عامل را تشکیل دادند. ایسویک و همکاران (۲۰۰۷)؛ هامفریز، جیائو و سادلر^۲ (۲۰۰۸)؛ قدیری نژادیان و عبدی (۲۰۱۰) و جوکار و البرزی (۱۳۸۹) با روش تحلیل عاملی، وجود سه بعد را همانند آوریل (۱۹۹۹) برای این سیاهه مذکور تایید کردند. در پژوهش‌های فوجز و همکاران (۲۰۰۷) و جوکار و البرزی (۱۳۸۹) پایایی نمره کلی خلاقیت هیجانی و هر یک از سه بعد فرعی آن با استفاده از آلفای کرونباخ مطلوب گزارش شد. پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ می‌باشد.

1 Emotional Creativity Inventory (ECI)
2 Hampreys, Jiao & Sadler

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمره‌های ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان و عادی

متغیر	دانش‌آموزان تیزهوش		دانش‌آموزان عادی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
ناگویی هیجانی (نمره کل)	۵۱/۵۰	۱۱/۰۹	۵۵/۴۵	۱۱/۸۳
دشواری در تشخیص احساسات	۱۷/۸۰	۶/۴۹	۱۹/۷۶	۷/۰۵
دشواری در توصیف احساسات	۱۳/۹۰	۴/۷۵	۱۴/۱۰	۴/۶۹
تفکر با جهت‌گیری خارجی	۱۹/۷۹	۴/۲۵	۲۱/۵۸	۳/۹۳
خلاقیت هیجانی (نمره کل)	۱۰۰/۵۷	۱۶/۹۴	۹۴/۸۳	۱۶/۵۴
نوآوری	۴۸/۹۲	۹/۷۷	۴۴/۶۲	۹/۴۶
آمادگی	۲۳/۲۶	۴/۵۱	۲۲/۰۱	۴/۳۱
اثربخشی / اصالت	۲۸/۳۸	۵/۸۱	۲۸/۱۷	۵/۸۴

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین ناگویی هیجانی، خلاقیت هیجانی و زیر مقیاس‌های آنها در دانش‌آموزان عادی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
ناگویی هیجانی (نمره کل)								
دشواری در تشخیص احساسات	۰/۸۶۳**							
دشواری در توصیف احساسات	۰/۸۳۵**	۰/۶۱۰**						
تفکر با جهت‌گیری خارجی	۰/۴۶۴**	۰/۰۷۳	۰/۲۲۳**					
خلاقیت هیجانی (نمره کل)	۰/۲۴**	۰/۱۴۰*	۰/۳۱**	۰/۱۹۰				
نوآوری	۰/۱۱۳*	۰/۱۵۵*	۰/۰۶۰	۰/۰۹۷	۰/۹۱۵**			
آمادگی	۰/۰۲۵	۰/۰۶۱	۰/۰۲۰	۰/۱۵۹	۰/۷۴۳**	۰/۵۳۴**		
اثربخشی / اصالت	۰/۳۱۲*	۰/۰۶۲	۰/۲۱۴*	۰/۲۷۱**	۰/۸۲۳**	۰/۵۹۴**	۰/۵۳۵**	۱

* $p < 0.05$, ** $p < 0.01$

جدول ۳. ضرایب همبستگی بین ناگویی هیجانی، خلاقیت هیجانی و زیر مقیاس‌های آنها در دانش‌آموزان تیزهوش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
ناگویی هیجانی (نمره کل)								
دشواری در تشخیص احساسات	۰/۸۰۴**							
دشواری در توصیف احساسات	۰/۸۰۷**	۰/۵۰۶**						
تفکر با جهت‌گیری خارجی	۰/۴۷۹**	۰/۰۰۶	۰/۲۱۵**					
خلاقیت هیجانی (نمره کل)	۰/۳۶**	۰/۲۷۰**	۰/۱۲۳**	۰/۴۲۴**				
نوآوری	۰/۰۷۷	۰/۳۸۳**	۰/۰۲۲	۰/۳۵۹**	۰/۹۲۰**			
آمادگی	۰/۰۱۶	۰/۱۹۸**	۰/۰۳۵	۰/۳۰۰**	۰/۷۱۴**	۰/۵۰۸**		
اثربخشی / اصالت	۰/۳۰۹**	۰/۰۱۲	۰/۳۴۸**	۰/۳۹۸**	۰/۸۱۱**	۰/۶۰۳**	۰/۴۴۸**	۱

* $p < 0.05$, ** $p < 0.01$

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس نمره‌های برای مقایسه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی براساس نمره‌های ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی

متغیر	میانگین مجزورات	F	معناداری
ناگویی هیجانی (نمره کل)	۱۲۲۵/۷۵۸	۹/۳۷۱	۰/۰۰۲
دشواری در تشخیص احساسات	۳۰۵/۴۳۲	۶/۶۷۵	۰/۰۱۰
دشواری در توصیف احساسات	۳/۱۸۰	۰/۱۴۳	۰/۷۰۶
تفکر با جهت‌گیری خارجی	۲۴۸/۰۹۲	۱۴/۶۴۱	۰,۰۰۰۱
خلاقیت هیجانی (نمره کل)	۲۴۹۹/۱۷۷	۸/۹۰۱	۰/۰۰۳
نوآوری	۱۴۳۵/۸۸۴	۱۵/۴۵۵	۰/۰۰۰۱
آمادگی	۱۱۰/۴۷۷	۵/۷۹۱	۰/۰۱۷
اثربخشی / اصالت	۲/۵۲۱	۰/۰۷۵	۰/۷۸۵

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی انجام شد. یکی از یافته‌های پژوهش این بود که بین دو گروه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در ناگویی هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد و زیرمقیاس‌های دشواری در تشخیص احساسات و تفکر با جهت‌گیری خارجی، تفاوت معنادار بود ولی در زیرمقیاس دشواری در توصیف احساسات در دو گروه دانش‌آموزان تفاوت داشت، ولی معنادار نبود و در دانش‌آموزان عادی بیشتر از دانش‌آموزان تیزهوش می‌باشد. این نتیجه فرضیه اول پژوهش را تأیید می‌کند که با یافته‌های پژوهش‌های (چانگ^۱ و همکاران ۲۰۰۵؛ ساسولو و جانگس^۲ ۲۰۰۲؛ والدز، جودار، اول، سوردا^۳ ۲۰۰۱؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۸) مطابقت دارد. که به این صورت می‌توان تبیین نمود:

از آنجا که در رویکرد پردازش اطلاعات، به جای محتوا بر کنش فرآیندهای ذهنی تأکید می‌شود و از دیدگاه این رویکرد فهم عملیات، تبدیل و دستکاری‌ها جزو مؤلفه‌های اصلی هوش محسوب می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت به دلیل فهم و درک بهتر و سریع‌تر و موقعیت‌های هیجانی قدرت زیادی در جذب داده‌های مربوط به این موقعیت‌ها دارند. این همان ویژگی است که لین^۴ و همکاران (۱۹۹۷) به نقل از تیلور، بگی و پارکر^۵ (۱۹۹۷) میزان آن در افراد مبتلا به ناگویی هیجانی کم اعلام کردند. افراد تیزهوش بدلیل داشتن این توانمندی می‌توانند اطلاعات هیجانی را به راحتی و از طریق سرنخ‌ها و محرک‌های محیطی دریافت و پردازش کنند. همچنین به اعتقاد ترستون ادراک کلامی، سیالی واژگان و سرعت ادراک به عنوان اصلی‌ترین توانمندی‌های تشکیل دهنده هوش می‌باشد (اتکینسون، اتکینسون و هیلگارد^۶، ۱۳۸۰؛ به نقل از بشارت و همکاران،

۱۳۸۸). بنابراین هرچه این توانمندی در فردی بیشتر از باشد، بهره‌های هوشی او نیز بیشتر خواهد بود پس می‌توان نتیجه گرفت که سرعت ادراک، سیالی واژگان و ادراک کلامی و هوش زبانی افراد تیزهوش بیشتر از افراد دارای بهره هوشی کمتر است و از سوی دیگر ناتوانی در ابراز هیجانات و ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی از ویژگی‌های اصلی ناگویی هیجانی می‌باشد که در افراد برخوردار از بهره هوشی بالا کمتر، دیده می‌شود.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر، این بود که بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در نمره کلی خلاقیت هیجانی و زیرمقیاس‌های نوآوری و آمادگی تفاوت معنادار بود ولی در زیرمقیاس اثربخشی/ اصالت تفاوت موجود معنادار نبود. با این حال فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌شود. این یافته با پژوهش عیسی زادگان، میکاییلی منیع، جنا آبادی و قلی نژاد (۱۳۹۲)، چان^۷ (۲۰۰۵) و مایر^۸ و همکاران (۲۰۰۱) همسو می‌باشد. این یافته را می‌توان به این صورت تبیین نمود:

دانش‌آموزان عادی نسبت به دانش‌آموزان تیزهوش، بیشتر اجراکننده هستند. آنها دوست دارند از قوانین مدرسه پیروی کنند. از موقعیت‌های مبهم اجتناب می‌کنند. امور آشنا در زندگی و کار را ترجیح می‌دهند و بیشتر با مسائل عینی که مستلزم جزئیات است، سروکار دارند و بیشتر از سبک‌های تفکر اجرایی، کلی، جزئی و محافظه‌کار استفاده می‌کنند و نسبت به یادگیری دیدگاه سطحی دارند. در حالی که لازمه خلاقیت دیدگاهی عمیق نسبت به یادگیری و سطح بالاتری از پیچیدگی شناختی است و همچنین مستلزم پردازش اطلاعات پیچیده است. این ویژگی‌ها در سبک تفکر قانونی وجود دارند. افراد با بهره هوشی بالاتر دیده می‌شود که در توجیه و تفسیر عملکرد خود به استدلال می‌پردازند و در بین مسائل و مشکلات پیچیده، عموماً

1 Chang
2 Sulslow, Junghanns
3 Valdes, Joder, Ojuel, Sureda
4 Lane
5 Taylor, Bagby Parker
6 Atikson, Atikson, Hillgard

7 Chan
8 Mayer

روابط مطلوب با دیگران می‌انجامد. طبق نظر آوریل (۱۹۹۹) چنانچه تغییری، اثربخشی مذکور را نداشته باشند رفتارهای روانجویی نظیر ناگویی هیجانی شکل می‌گیرد. همچنین افراد خلاق زمان زیادی را برای شناخت هیجان‌های خود صرف می‌کنند و به راحتی می‌توانند هیجان‌های خود شناسایی و تنظیم کنند ولی افراد مبتلا به ناگویی هیجانی در شناخت و پردازش شناختی هیجان‌های خود ناتوانند. از آنجاییکه نمونه آماری پژوهش حاضر دانش‌آموزان دختر تیزهوش و عادی مقطع متوسطه می‌باشد ولی در گروه دانش‌آموزان تیزهوش مسئولین این مدارس تنها از طریق کلاس‌های اول متوسطه همکاری لازم را به عمل آوردند، این موضوع می‌تواند بر تعمیم یافته‌های آن به سایر پایه‌ها با محدودیت مواجه شود. برای سنجش خلاقیت هیجانی که سازه‌های جدید است پیشنهاد می‌شود از روش‌های دیگری برای سنجش آن به جای روش ممداد کاغذی استفاده شود. همچنین با توجه به اینکه خلاقیت هیجانی سازه‌ای آموزشی است، بنابراین آشنا کردن والدین، معلمان و سایر مسئولین می‌تواند باعث رشد خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان شود.

تقدیر و تشکر

آموزش و پرورش کل استان تهران و آموزش و پرورش منطقه شش. همچنین، دبیرستان‌های دخترانه نمونه دولتی فرزندان شماره یک، غیر انتفاعی هدف، دولتی نرجس منطقه شش که نهایت همکاری را با پژوهشگران در امر این پژوهش به عمل آوردند.

منابع

بشارت، م. ع؛ کریمی، م؛ قربانی، ن؛ رحیمی نژاد، ع (۱۳۸۸). مقایسه ناگویی هیجانی با هوش هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی. تازه‌های علوم شناختی. ۴، ۲۸۰-۱۸.

بشارت، م. ع؛ گرنامه‌پور، ش؛ پورنقد علی، ع؛ افقی، ز؛ حبیب نژاد، م؛ آقایی ثابت، س. س (۱۳۹۳). رابطه ناگویی هیجانی و مشکلات بین شخصی: نقش تعدیل کننده سبک‌های دلبستگی. روانشناسی معاصر. ۹، ۱۶-۳.

پیچیده تر و مشکل تر را انتخاب می‌کنند و از حل مسائل دشوار و نو لذت می‌برند.

نتایج پژوهش حاضر بین ناگویی هیجانی و خلاقیت هیجانی در هر دو گروه دانش‌آموزان تیزهوش و عادی رابطه منفی و معنادار نشان داد ولی بین زیر مقیاس اثربخشی/ اصالت با ناگویی هیجانی در دانش‌آموزان تیزهوش رابطه مثبت و معنادار بدست آمد که به طور کلی فرضیه سوم پژوهش را تایید می‌کند. که با یافته‌های پژوهشی (آوریل^۱، ۱۹۹۹؛ فوجز، کومار و پورتر^۲، ۲۰۰۷) مطابقت دارد. این نتیجه براساس احتمالات زیر تبیین می‌شود:

براساس نظریه پردازش اطلاعات در ناگویی هیجانی، توانایی تجسم نمادین هیجان‌ها محدود است و به این ترتیب کنترل شناختی آنها بسیار ناچیز است (بوچی^۳، ۱۹۹۷). این مسئله بارها در قالب کاهش شدید خیالپردازی‌ها (کاهش قوه تخیل) و ناتوانی در یافتن کلمات برای ابراز احساسات شخصی و گاهی با تمایل به تاکید بر حس‌های بدنی ناشی از برانگیختگی هیجانی و کاهش تنش در قالب رفتارهای تکانشی یا وسواسی دیده می‌شود (تیلور و همکاران، ۱۹۹۷). این در حالی است که افراد خلاق هیجانی بهتر هیجان‌های خود به صورت خلاقانه هم در قالب نوشتاری و هم تصویری (کلامی و غیر کلامی) بیان می‌کنند. این افراد همچنین قادرند در داستان‌های خود هیجان‌های متناقض (مهربانی، تنفر، سردرگمی) را با هم ترکیب کنند و راه خلاقانه تری را برای تعارضاتی ارائه دهند، که در ظاهر حل شدنی نیست. خلاقیت هیجانی از سه عنصر نوآوری، آمادگی و اثربخشی تشکیل می‌شود. افراد خلاق هیجانی توانایی تغییر در هیجان‌های معمول و ایجاد حالت هیجانی جدید که بر خلاف هنجارها و استانداردها است و یا ترکیب جدیدی از هیجان‌های متداول فرد است (نوآوری). بعلاوه توانایی هماهنگ کردن پاسخ‌های خلاق با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی را دارند به گونه‌ای که به برقراری

1 Avriil
2 Fuchs, Cumar & porter
3 Bucci

- International Journal of Psychophysiology*, 75, 227-233.
- Besharat, M. A. (2007). Psychometric properties of Farsi version of Emotional Intelligence Scale-41 (FEIS-41). *Personality and Individual Differences*, 43, 991-1000.
- Bucci, W. (1997). Symptoms and symbols: A multiple code theory of somatization. *Psychoanalytic Inquiry*, 17, 151-172.
- Chan, D. W. (2005). Self-perceived creativity, Family hardiness, and emotional intelligence of Chinese gifted students in Hong Kong, *Journal of secondary gifted education*, 16(2, 3), 47 – 56.
- Chang, M. F., Wen, S. L., Zhang, J. B., Tao, J., & Wu, Z. (2005). Relationship between alexithymia and cognitive function in the patients with first episode schizophrenia. *Chinese Journal of Clinical Rehabilitation*, 9 58-59.
- Czernecka c., & Szymura b.(2008). Alexithymia – Imagination – Creativity. *Personality and Individual Differences*. 45 ,445-450.
- Donges, U.-S., Kersting, A., & Suslow, T. (2014). Alexithymia and Perception of Emotional Information: A Review of Experimental Psychological Findings. *Universitas Psychologica*, 13(2), 745-756.
- Fuchs, G. L, Kumar, V. K & Porter, J, (2007). Emotional creativity, Alexithymia, and styles of creativity, *Creativity Research Journal*, 19, 233- 245.
- Ghadiri nezhgyan, F., & Abdi, B. (2010). Factor structure of emotional creativity Inventory (ECI-Averill,1999) among Iranian Undergraduate students in Tehran Universities. *Procedia social and behavioral Sciences*,5,1442-1446.
- Gutbezahl, J., & Averill, J. R. (1996). Individual differences in emotional creativity as manifested in words and pictures. *Creativity Research Journal*, 9, 327-337.
- Humphreys, J. Jiao, N. Sadler, T. (2008). Emotional Disposition and Leadership Preferences of American and Chinese MBA Students. *International Journal of Leadership Studies*, 3, 162-180.
- Honkalampi, K. , Koivumaa-Honkanen, H. , Antikainen, R. , Haatainen, K. , Hintikka, J. , & Viinamaki, H. (2004). Relationships among alexithymia, adverse childhood experiences, sociodemographic variables and actual mood جوکار، ب؛ البرزی، م (۱۳۸۹). رابطه ویژگی های شخصیت با خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی. مطالعات روانشناختی. دوره ۶، شماره ۱، ۸۹-۱۰۹.
- صبری، م؛ البرزی، م؛ بهرامی، م (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان دبیرستان اندیشه های نوین تربیتی. دوره ۹. شماره ۲.
- عیسی زادگان، ع؛ میکائیلی منیع، ف؛ جنا آبادی، ح؛ قلی نژاد، ف (۱۳۹۲). مقایسه سبک های تفکر و خلاقیت هیجانی در بین دانش آموزان تیز هوش و عادی. فصلنامه افراد استثنایی. ش ۱۱.
- سیادت، س. ع؛ نیک نشان، ش؛ نیک بخت، ا؛ مقدم، ا (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان، ۱۱۲-۹۹.
- هاشمی، س (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت در دانشجویان هنر، ادبیات و علوم پایه. *اندیشه های نوین تربیتی*. ۵ (۲)، ۷۹ - ۱۰۳.
- Altbäcker, A., Plózer, E., Darnai, G., Perlaki, G., Orsi, G., Nagy, S. A., & Kovács, N. (2014). Alexithymia is associated with low level of vitamin D in young healthy adults. *Nutritional neuroscience*, 17(6), 284-288.
- Averill, J. R. (2007). Together again: Emotion and intelligence reconciled. In G. Matthews, M. Zeidner, & R. D. Roberts, (Eds.), *Emotional intelligence: Knowns and unknowns* (pp. 49-71), New York, Oxford University.
- Averill, J. R. (2005). Emotions as mediators and as products of creative activity. In J. Kaufman & J. Baer (Eds.), *Creativity across domains: Faces of the muse*, Mahwah, NJ: Erlbaum. 225-243
- Averill, J. R. (1999). Individual differences in emotional creativity: Structure and correlates, *Journal of personality*, 67, 331-371.
- Averill, J. R & Nunley, E. P. (1992). *Voyages of the heart: Living an emotionally creative life*. New York, Macmillan
- Bagby, R. M., Parker, J. D. A., & Taylor, G. J. (1994). The twenty-item Toronto Alexithymia Scale: I. Item selection and cross-validation of factor structure. *Journal of Psychosomatic Research*, 38, 23-32.
- Bermond, B., Bierman, D. J., Cladder, M. A., Moormann, P. P., & Vorst, H. C. (2010). The cognitive and affective alexithymia dimensions in the regulation of sympathetic responses.

- Sifneos, P. E. (2000). Alexithymia, clinical issues, politics and crime. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 69, 113- 116.
- Stasiewicz, P. R., Bradizza, C. M., Gudleski, G. D., Coffey, S. F., Schlauch, R. C., Bailey, S. T., et al. (2012). The relationship of alexithymia to emotional dysregulation within an alcohol dependent treatment sample. *Addictive Behaviors* 37, 469-476.
- Sung hwa, S. , Hyunyoung, J. , Hyo deog, R. , Ju hee, K. , Hea won, K. , Geum ye, B. , & Seaung jae, L. (2012). A comparative study on alexithymia in depressive, somatoform, anxiety and psychotic disorder among Koreans. *Psychiatry Investing*, 9, 325-331.
- Suslow, T., & Junghanns, K. (2002). Impairments of emotion situation priming in alexithymia. *Personality and Individual Differences*. 32, 541–550.
- Taylor, G. J., & Bagby, R. M. (2000). *An overview of the alexithymia construct..*
- Taylor, G. J., Bagby, R. M., & Parker, J. D. (1999). Disorders of affect regulation: Alexithymia in medical and psychiatric illness: *Cambridge University Press*.
- Thorberg, F, A. , Young, R, M., Sullivan, K, A. , & Lyvers, M. (2011). Parental bonding and alexithymia: A meta analysis. *European Psychiatry*, 26, 187-193.
- Valdes, M., Jodar, I., Ojuel, J., & Sureda, B. (2001). Alexithymia and verbal intelligence: A psychometric study. *Actas Espanolas Psiquiatri*, 29, 338-42..
- Zenasni, F., & Lubart, T. (2009). Perception of emotion, alexithymia and creative potential. *Personality and individual differences*, 46(3), 353-358.
- disorder: a 2-year clinical follow-up study of patients with major depressive disorder. *Psychosomatics*, 45, 197-204
- Ivcevic, Z, Brackett, M. A & Mayer, J. D, (2007). Emotional intelligence and emotional creativity, *Journal of Personality*, 75, 199-235.
- Jowkar, B. & Noorafshan, L. (2013). The Effect of Emotional Intelligence and Its Components on Creativity. *Social and Behavioral Sciences*. 84 .791 – 795.
- Karukivi, M. , Joukmaa, M. , Hautala, L. , Kaleva, O. , Haapasalo-Pesu, K, M. , Liuksila, P, R. , & Saarijarvi, S. (2011). Does perceived social support and parental attitude relate to alexithymia? A study in finnish late adolescents. *Psychiatry Research*, 187, 254-260.
- Korkoliakou, P., Christodoulou, C., Kouris, A., Porichi, E., Efstathiou, V., Kaloudi, E. & Douzenis, A. (2014). Alexithymia, anxiety and depression in patients with psoriasis: a case–control study. *Annals of general psychiatry*, 13(1), 38.
- Lee, S. A., & Guajardo, N. R. (2011) Affect intensity and alexithymia differentially influence the relationship between neuroticism and depressive symptomatology among college students. *Personality and Individual Differences*, 50(5), 646-650
- Mayer, J., & Perkins, D., & Caruso, D., & Salovey, D. (2001) , Emotional Intelligence and giftedness. *Report Review*, 23(3) , 131 – 137.
- Mourik. B.C .(2011). Crime Passionel: Emotional rage or cold-blooded murder? A review of emotion induced dissociation in healthy individuals .*Erasmus Journal of Medicine* • vol 1 (2.)
- Palmer, B. R., Gignac, G., Manocha, R., & Stough, C. (2004). A psychometric evaluation of the Mayer Salovey- Caruso Emotional Intelligence Test Version 2.0. *Intelligence*, 33, 285–305.
- Parker, J. D. A., Taylor, G. J., & Bagby, R. M. (2003). The 20-item Toronto Alexithymia Scale: III reliability and factorial validity in a community population. *Journal of Psychosomatic Research*, 55, 269-275.
- Patil, I., & Silani, G. (2014). Reduced empathic concern leads to utilitarian moral judgments in trait alexithymia. *Frontiers in psychology*, 5.
- Picardi, A. , Toni, A. , & Caroppo, A. (2005). Stability of alexithymia and its relationships with the big five factors, temperament, character and attachment style. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 74, 371-378.